

صفحات ۹۴-۱۰۷

رابطه بین خرد با بهزیستی روان شناختی با نقش میانجی پذیرش مرگ

در دانشجویان رشته تربیت بدنی

فاطمه بیجنوند قینلی^۱، زهرا تنها^{۲*}، راضیه جلیلی^۳

۱. کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

۲. استادیار گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی خرم آباد، خرم آباد، ایران

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی خرم آباد، خرم آباد، ایران

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین خرد و بهزیستی روان شناختی با نقش میانجی پذیرش مرگ در دانشجویان رشته تربیت بدنی مورد مطالعه قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان رشته تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود. بدین منظور، تعداد ۳۰۰ نفر با روش نمونه گیری غیر تصادفی در دسترس (به صورت آنلاین) انتخاب شدند و به پرسش نامه های بهزیستی روان شناختی ریف (۱۹۸۹)، خود سنجی خرد و بستر (۲۰۰۳) و پذیرش مرگ کلارگ (۱۹۷۶) پاسخ دادند. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی که با روش مدل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس نتایج، خرد با پذیرش مرگ دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد رابطه مستقیم دارد. بهزیستی روان شناختی و پذیرش مرگ دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد رابطه مستقیم دارد. خرد و بهزیستی روان شناختی دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد رابطه مستقیم دارد و در نهایت، نتایج حاصل از مدل برازش یافته نهایی نشان داد که خرد با بهزیستی روان شناختی با نقش میانجی پذیرش مرگ در دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد رابطه غیر مستقیم دارد. نتایج این مطالعه با به دست آمدن برازش مناسب داده ها با مدل، نشان داد که سه چارچوب مفهومی، خرد، بهزیستی روان شناختی و پذیرش مرگ دارای نقاط تلاقی نظری هستند و می توانند در قالب یک مدل به کار روند و در برنامه ریزی های آموزشی برای دانشجویان تربیت بدنی مورد توجه قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: بهزیستی روان شناختی، خرد، پذیرش مرگ، دانشجویان رشته تربیت بدنی.

* ایمیل نویسنده مسئول: tanha_zahra1986@yahoo.com

مقدمه:

بحث سلامت روان^۱ و عوامل دخیل در آن برای قشر دانشجو از اهمیت بسیاری برخوردار است. به‌ویژه، برای دانشجویان رشته تربیت بدنی که جدای از انجام فعالیت‌های درسی و کوشش برای ارتقاء سطح علمی خود، به‌طور مستمر به انجام فعالیت‌های ورزشی نیز می‌پردازند که لازمه موفقیت در این مسئله، پرداختن به عواملی است که بتوانند در نهایت، سلامت روان‌شناختی این دانشجویان را ارتقاء ببخشد. یکی از متغیرهای اساسی تضمین کننده سلامت روان، بهزیستی روان‌شناختی^۲ است.

پارکر و توماس^۳ (۲۰۰۹) استدلال کردند که بهزیستی چه برای تعریف کردن و چه برای مورد سنجش قرار دادن، مفهومی ناملموس و دشوار است. محققان بهزیستی روان‌شناختی را به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های روان‌شناختی دخیل در کارکرد مثبت انسان می‌دانند (لو و هندکک^۴، ۲۰۲۰). ریف^۵ (۱۹۸۹) اعتقاد داشت که بهزیستی مفهومی پویا است که شامل ابعادی ذهنی، اجتماعی، روان‌شناختی و رفتارهای مربوط به سلامت **می‌گردد** و آن را می‌توان از طریق تعدادی مولفه پایه توصیف کرد: پذیرش خود، رشد فردی، داشتن هدف در زندگی، تسلط بر محیط، خودمختاری، ارتباط مثبت با دیگران. نتایج پژوهش ریف (۱۹۸۹) منجر به پیدایش مفهوم جدید عینی از بهزیستی روان‌شناختی شد که دارای شش مولفه خودمختاری^۶، رشد شخصی^۷، تسلط بر محیط^۸، هدف‌مندی در زندگی^۹، ارتباط مثبت با دیگران^{۱۰} و پذیرش خود^{۱۱} است. بنابراین، احساس بهزیستی در برگیرنده احساس انسجام و پیوستگی در زندگی، تعادل عاطفی و رضایت کلی از زندگی است و به معنی قابلیت یافتن تمام استعدادهای فرد است (یاداو^{۱۲}، ۲۰۱۸). در دیدگاه ریف (۱۹۸۹) بهزیستی به معنی تلاش برای استعلاء و ارتقاء است که در تحقق استعدادها و توانایی‌های فرد متجلی می‌شود. این مولفه دو بعد شناختی و عاطفی داشته است. بعد شناختی آن مربوط به ارزیابی هیجانات فرد در یک دوره زمانی است (پترمن^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۴) و بعد عاطفی آن نشانه نگاه مثبت فرد به میزان فاعلیت و هشیاری خود در یک موقعیت اطلاق می‌شود (بشارت، زمانی فرشانی، معافی و بهرامی احسان، ۱۳۹۵).

بهزیستی روان‌شناختی از جمله متغیرهای اساسی در بحث‌های مربوط به روان‌شناسی مثبت نگر مطرح است که می‌تواند با عواملی مانند خرد^{۱۴} مرتبط باشد، چرا که خرد نمی‌تواند در خلاء رشد یابد و در طی التزاماتی از زندگی، سختی و

1. mental health

2. psychological well-being

3. Parker & Thomas

4. Luo & Hancock

5. Reef

6. autonomy

7. personal growth

8. environmental mastery

9. purpose in life

10. positive relation with other

11. self-acceptance

12. Yadav

13. Peterman

14. wisdom

آشفته‌گی‌هایی که همواره موجودند، ظاهر می‌شوند و با داشتن تجربه‌های چالش برانگیز تعالی می‌یابد (ویستر^۱، ۲۰۰۳، تیلور، باتس و ویستر، ۲۰۱۱) و در نتیجه، با مولفه‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارد که در برخی از مطالعات مانند خاتون ذبیحی حصار، چاجی و زارعی مقدم (۱۳۹۶)، عامری، شوقی و حسنی ساطحی (۱۳۹۸)، دانش پایه، درتاج و مازوساز (۱۴۰۱) وجود این رابطه تأیید شده است.

در مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی‌هایی که درباره خرد ارائه شده است، با توجه به اهمیتی که به "شناخت" و "عاطفه" داده شده، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در برخی از آن‌ها شناخت بسیار مهم در نظر گرفته شده و در برخی دیگر، شناخت کم‌رنگ تر شده به تلفیق شناخت و عاطفه بسیار اهمیت داده شده است (استودینگر و گلاک^۲، ۲۰۱۱). در تعاریفی که بر شناخت تأکید شده از خردمندی به‌عنوان سطح کنترل ملاحظات عملی اساسی در زندگی (استودینگر و بالتز^۳، ۱۹۹۴) و سبک فراشناختی که به افراد امکان می‌دهد از محدودیت‌های دانش خود آگاه باشند (میکام^۴، ۱۹۹۰، استرنبرگ، ۱۹۹۰) یاد می‌شود. پارادایم خردمندی برلین^۵ و نظریه تعادلی استرنبرگ^۶ از جمله این نظریه‌ها هستند. استرنبرگ در نظریه تعادلی خود خردمندی را به‌عنوان استفاده از دانش نهان^۷ در مسائل زندگی که شامل درگیری بین حوزه‌های مختلف زندگی است، مفهوم سازی می‌کند (استرنبرگ، ۱۹۹۸).

دانش نهان واژه اصلی نظریه استرنبرگ در هوش عملی-دانش رویه‌ای^۸ و حوزه-خاص^۹ درباره چگونگی رسیدن به هدف خاص در درون یک نظام خاص است. در مورد راه حل‌های خردمندانه، به مسائل دشوار، هدف، رسیدن به منافع مشترک (خیر همگانی^{۱۰})، یعنی بهینه سازی نتیجه با در نظر داشتن کلیه منافع است. راه حل خردمندانه، راه حلی متعادل است، به نحوی که منافع متضاد درون فردی^{۱۱}، بین فردی^{۱۲}، و فرافردی^{۱۳} را در کوتاه مدت و بلند مدت در نظر گرفته و ارزش‌های مثبت اخلاقی را هم در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌کند (استرنبرگ، ۲۰۰۸، استرنبرگ، رزنیسکایا و جاروین^{۱۴}، ۲۰۰۷). همچنین، در چگونگی مواجهه با بافت^{۱۵} مسئله نیز متعادل است، در واقع، بسته به ماهیت و شرایط مسئله یا با بافت سازگار می‌شود، یا آن را تغییر می‌دهد و یا بافت دیگری را انتخاب می‌کند (کرمی، قهرمانی، پارا-مارتینز و جنتری، ۲۰۲۰). حال سوال اینجاست که چه عواملی می‌توانند رابطه بین خرد و بهزیستی روان‌شناختی را تحت تأثیر قرار دهند؟

مرگ و ابعاد روان‌شناختی آن از جمله مواردی است که در پیوند با موضوعات روان‌شناسی مثبت نگر تحت تأثیر تجارب مثبت و منفی زندگی انسان است. مسئله مرگ از جمله مسائلی است که بشر از ابتدای تاریخ حیات با آن مواجه بوده است و

1. Webster

2. Staudinger

3. Baltes

4. Meacham

7. berlins wisdom paradigm

6. balanced theory

7. latent knowledge

8. procedural knowledge

9. domain-specific

10. common good

11. intrapersonal

12. interprsonal

13. extra personal

14. Reznitskaya & Jarvin

15. coutext

شاید بتوان گفت که هیچ انسانی نیست که به این اتفاق محتوم در زندگی خویش نیدیشیده باشد، اما به نظر می‌رسد که رفتار انسان در قبال مسئله مرگ در طی تاریخ دچار تغییراتی شده باشد (رای و نجمن^۱، ۲۰۱۰). افراد آگاهانه یا ناآگاهانه از بین اشکال متعدد مواجه از طریق ممانعت از مرگ یا پذیرش مرگ، انتخاب می‌کنند و ممانعت از مرگ نتیجه اضطراب مرگ^۲ است و پذیرش مرگ شاید زمانی واضح و مبرهن شود که فرد با بیمار، تصمیم به ایجاد تغییراتی قابل توجه در زندگی خود می‌گیرد (نیمیک و شولنبرگ^۳، ۲۰۱۱). به عقیده کوبلر-راس (۲۰۰۹، نقل از ملایوسفی و باقری، ۱۳۹۵) این طرز تلقی باید تغییر کند و انکار مرگ جای خودش را به پذیرش و قبول مرگ بدهد. از نظر او انسان در فرآیند مردن باید آگاهانه مرگ خود را بپذیرد تا از این طریق بتواند به نوعی جاودانگی تجربی دست یابد. وی معتقد است که انکار مرگ در جامعه ممکن است اثرات بسیار مخربی برای نوع بشر داشته باشد. او می‌گوید تا فرهنگ انکار مرگ را تغییر دهد تا افراد بتوانند با ترس کمتر و خردپذیری بیشتری با مرگ خود رو به رو شوند. امروزه روان‌کاوان نیز معتقدند که انکار مرگ، تأثیر روانی مخربی بر انسان دارد. کوبلر-راس در کتاب معروف خود با عنوان "در باب مرگ و مردن"^۴ (۱۹۶۹) با استناد به مشاهدات تجربی، نظریه‌ای را درباره نحوه مواجهه با مرگ مطرح می‌کند که تا به امروز در کانون مباحث مرگ شناختی قرار دارد. او مدعی است که بیمارانی که خبر مرگ قریب الوقوع خود را می‌شنوند، پس از شوک ناشی از خبر بیماری خود پنج مرحله را پشت سر می‌گذارند، که عبارتند از: انکار^۵، خشم^۶، چانه زنی^۷، افسردگی^۸ و در نهایت، پذیرش مرگ. کوبلر-راس یک پاسخ هیجانی ششمی را نیز در بیماران رو به مرگ تشخیص داد که در تمام پنج مرحله مردن، ظهور و وجود دارد و آن پاسخ هیجانی "امید"^۹ است. بنابراین، مرگ یک دغدغه بزرگ است که همواره همراه انسان است و پذیرش آن به عوامل مختلفی بستگی دارد (پلاک و سیمور^{۱۰}، ۲۰۱۸). از جمله این عوامل خرد است (صالحیان و جهان، ۱۴۰۰).

برخی از مطالعات، خرد را شامل ابعاد بهزیستی روان‌شناختی و البته پذیرش معنویت یا مرگ در نظر گرفته‌اند، برای مثال، آردلت (۲۰۱۸) در مطالعه خود بر آن بود که به این سوالات پاسخ دهد که آیا می‌توان خرد و بهزیستی روان‌شناختی را به دانشجویان آموزش داد؟ آیا خرد و رشد روانی اجتماعی که به‌عنوان تحول در بهزیستی روان‌شناختی، معنویت و پذیرش مرگ تعریف می‌شود، می‌تواند در دوره‌های دانشگاهی آموخته شود؟ به‌طور خاص، در این مطالعه گروه آزمایشی علاوه بر کلاس‌های معمول خود در کلاس‌های آموزش خرد و ارتقاء تحول روان‌شناختی خود شرکت می‌کردند و گروه کنترل کلاس‌های معمول خود را داشتند. نتایج نشان داد که به‌طور متوسط، هر ۱۶۵ دانش‌آموزی که در ۱۲ کلاس ثبت نام کرده بودند، به‌طور معنی‌داری در پذیرش خرد، بهزیستی روان‌شناختی، معنویت و مرگ بین شروع و پایان ترم بهبود داشتند. بنابراین، به دلیل اهمیت موضوع و نیز کمبود مطالعات در این زمینه پرداختن به این موضوع اهمیت دارد. به‌ویژه اینکه موضوعاتی از این دست می‌تواند اطلاعات بنیادی و تئوریک مناسبی را جهت پژوهش‌های تجربی آینده فراهم سازد و

1. Ray & Najman

2. death anxiety

3. Niemiec and Schulenberg

4. Deathly and Die

5. denial

6. anger

7. bargaining

8. depression

9. hope

10. Pollack & Seymour

دغدغه‌های وجودی افراد به خصوص دانشجویان را در اولویت قرار دهد. از این رو، پژوهش حاضر با طرح این سوال انجام خواهد شد: آیا مدل ساختاری رابطه بین خرد و بهزیستی روان‌شناختی با نقش میانجی پذیرش مرگ در بین دانشجویان کارشناسی تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد از برآش لازم برخوردار است؟

روش پژوهش:

روش پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است که با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند که جمعاً ۱۰۰۰ نفر می‌باشند. به رغم عدم وجود توافق کلی و قطعی، به پیشنهاد بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم برای مدل‌یابی معادلات ساختاری، ۲۰۰ آزمودنی است. به ازای هر متغیر نیز حدود ۱۰ تا ۲۰ آزمودنی لازم است (کلاین^۱، ۲۰۱۵). در این پژوهش ۳ متغیر وجود دارد که بر مبنای مدل کلاین، حجم نمونه بین ۳۰ تا ۶۰ نفر برآورد شد، اما برای تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج و احتمال ریزش برخی پرسش‌نامه‌ها حجم نمونه ۳۰۰ نفر انتخاب شد. به دلیل شیوع کرونا و ویروس و غیرحضور بودن آموزش در دانشگاه در این پژوهش برای انتخاب نمونه، از شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس^۲ (داوطلبانه و به صورت آنلاین) استفاده شد که بعد از گردآوری داده‌ها تعداد ۳۰۰ نفر پاسخ‌نامه به شیوه آنلاین گردآوری شد. از آنجایی که اجرای پرسش‌نامه‌ها به شیوه آنلاین بوده است و پژوهشگر به شیوه آنلاین اقدام به توزیع لینک آنلاین سوالات پرسش‌نامه‌ها کردند و از این رو، تنها دانشجویانی که دسترسی به لینک داشتند به سوالات پاسخ دادند و شیوه تصادفی برای اجرای پرسش‌نامه‌ها وجود نداشت.

ابزار اندازه‌گیری پژوهش

مقیاس خودسنجی خرد وبستر^۳ (۲۰۰۳): این پرسش‌نامه با چهل سوال پنج مولف خرد شامل تجارب مهم زندگی، مرور/ تأمل، گشودگی به تجربه و تنظیم هیجان و شوخ طبعی را بر اساس طیف ۶ درجه‌ای مقیاس لیکرت (۱=کاملاً مخالفم تا ۶ کاملاً موافقم) اندازه‌گیری می‌کند. نمره کل مقیاس بر اساس چهل سوال به دست می‌آید به گونه‌ای که نمره‌های بالاتر بیانگر سطوح بالاتر خرد است. مطالعات وبستر (۲۰۰۳، ۲۰۰۷) در خصوص ویژگی‌های روان‌سنجی نشان می‌دهد که این آزمون از روایی همزمان مناسبی از طریق همبستگی معنی‌دار با باروری، یکپارچگی خود و دیگر متغیرهای روان‌شناختی مثبت مانند جستجوی هدف برخوردار است. همچنین، روایی واگرا تشخیصی این آزمون از طریق همبستگی منفی با لذت‌جویی و اجتناب از دلبستگی به دست آمده است. نتایج روایی سازه براساس تحلیل‌های عامل تأییدی و اکتشافی وجود مدل پنج مولفه‌ای را تأیید کرد. یافته‌های وبستر (۲۰۰۳، ۲۰۰۷)، ضریب هم‌مانگی درونی نمره کل را بین ۰/۸۸-۰/۹۰ و ضریب پایایی را معادل ۰/۸۴ نشان می‌دهد. میزان آلفای کرونباخ در این مطالعه برای کل این پرسش‌نامه ۰/۷۹ و برای خرده مقیاس‌ها به این صورت بود: تجارب مهم زندگی ۰/۷۸، مرور/ تأمل ۰/۸۰، گشودگی به تجربه ۰/۷۸، تنظیم هیجان ۰/۷۸ و شوخ طبعی ۰/۷۹.

1. Kline

2. convenience sampling

3. Scale Self Assessed Wisdom (SAWS)

پرسش نامه بهزیستی روان شناختی ریف^۱ (۱۹۸۹): این پرسش نامه دارای ۱۸ سوال است و روی یک طیف ۶ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است. این مقیاس پذیرش خود، تسلط بر محیط، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی، رشد فردی و استقلال را ارزیابی می‌کند. این پرسش نامه ۱۲۰ سوالی است و هر خرده مقیاس دارای ۲۰ سوال است. به علاوه، فرم ۸۴، ۴۲ و ۱۸ سوالی آن نیز در دسترس است. در پژوهش خانجانی و همکاران (۱۳۹۳) میزان پایایی این پرسش نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس این پژوهش به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۷، ۰/۷۴، ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۶ به دست آمد. میزان آلفای کرونباخ این پرسش نامه در مطالعه حاضر با نمره کل ۰/۸۲ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب به این صورت بود: پذیرش خود ۰/۸۸، تسلط بر محیط ۰/۸۵، روابط مثبت با دیگران ۰/۸۲، هدف در زندگی، ۰/۸۹، رشد فردی ۰/۸۸، استقلال ۰/۸۲.

پرسش نامه پذیرش مرگ کلاگ و سینها^۲ (۱۹۷۶): این پرسش نامه دارای ۱۶ سوال است و روی یک طیف ۴ درجه‌ای تنظیم شده است و دارای دو خرده مقیاس تقابل و ادغام جنبه‌های پذیرش مرگ است (کلاگ و سینها، ۱۹۷۶). میزان آلفای کرونباخ پرسش نامه در مطالعه کلاگ و سینها^۲ (۱۹۷۶) قابل قبول گزارش شد. با توجه به اینکه این پرسش نامه برای اولین بار در فرهنگ ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است، موارد زیر درباره آن مد نظر محقق قرار گرفت: روند آماده‌سازی مقیاس پذیرش مرگ به این صورت بوده است که ابتدا به فارسی برگردانده شد. سپس، از چهار نفر متخصص زبان انگلیسی خواسته شد که گویه‌ها را مجدداً به انگلیسی ترجمه کنند. از طریق فرایند مرور مکرر، تفاوت‌های موجود در تطابق دو ترجمه اصلاح شدند و به حداقل رسیدند. پس از آن، مقیاس در اختیار چند نفر از اعضای هیئت علمی قرار گرفت و پس از اعمال نظرهای آنان، بعد از یک بررسی مقدماتی که درباره اعتبار پرسش نامه در یک نمونه ۳۰ نفری از دانشجویان اجرا شد و نتایج قابل قبولی به دست آمد، در اجرای نهایی با نمونه پژوهش حاضر نیز روایی محتوا و تطابق فرهنگی این پرسش نامه مورد تأیید قرار گرفت. میزان آلفای کرونباخ برای این پرسش نامه در این پژوهش در مطالعه حاضر به این صورت بود: پذیرش مرگ ۰/۸۲، ادغام ۰/۷۹ و پذیرش ۰/۸۰.

در این پژوهش، برای برآورد ضرایب اثر و شاخص‌های برازش مدل از روش برآورد حداکثر درست‌نمایی^۳ استفاده شد. نرمال بودن داده‌ها از مهم‌ترین مفروضه‌های این روش برآورد است. همچنین، خطی بودن روابط (وسترن و گوره^۴، ۲۰۰۶) و عدم همخطی متغیرهای پیش‌بین از دیگر مفروضه‌های این روش هستند.

یافته‌های پژوهش:

توصیف متغیرهای پژوهش:

آماره‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱، مشاهده می‌شود. بر اساس یافته‌های این جدول، جهت بررسی نرمال بودن تک متغیره، از شاخص‌های چولگی و کشیدگی متغیرها استفاده شد. با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها بین ۲+ و ۲- می‌باشد، می‌توان بیان داشت که داده‌ها در سطح ۰/۰۵ از

^۱ Ryff's scale of psychological well-being

^۲ Klug & Sinha

^۳ Maximum Likelihood Estimation (MLE)

^۴ Weston & Gore

توزیع نرمال برخوردار هستند. از سوی دیگر، به منظور بررسی وجود هم خطی چندگانه بین متغیرها، از شاخص های تحمل و عامل تورم واریانس استفاده شد. مقدار تحمل کمتر از ۰/۱ یا VIF بیشتر از ۱ نشان دهنده عدم وجود هم خطی چندگانه است که در این مطالعه این پیش فرض رعایت شده بود. برای بررسی شرط نرمال بودن داده ها از آزمون کالموگروف-اسمرینف نیز استفاده شد. آماره این آزمون به این صورت بود که برای متغیر بهزیستی روان شناختی ۰/۸۵، خرد ۱/۴۱ و پذیرش مرگ ۱/۴۹ به دست آمد و سطح معنی داری این متغیرها بزرگتر از ۰/۰۵ بود که نشان دهنده نرمال بودن داده ها بود. برای بررسی پیش فرض خطی بودن رابطه متغیرهای پژوهش، نمودار پراکندگی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به اینکه نمودارها تقریباً شکل بیضی داشتند، این پیش فرض نیز تأیید شد. همچنین، قبل از ورود داده ها به تحلیل از طریق آزمون باکس-ویسکر، داده های پرت شناسایی و حذف شدند. علاوه بر این، پیش فرض استقلال خطاها با استفاده از آزمون دوربین-واتسون بررسی شده و مقدار آن ۱/۹۱ به دست آمد که در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت و پیش فرض استقلال خطاها برقرار بود. در ادامه، همبستگی بین متغیرها مد نظر قرار گرفت.

جدول ۱. توصیف متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی	آماره تحمل	VIF
بهزیستی روان شناختی	۱۵۱/۷۳	۱۳/۷۱	۵۰	۹۷	-۰/۲۱۴	-۰/۴۵۱	۰/۳۲۰	۱/۳۱۵
خرد	۷۴/۷۹	۹/۶۳	۱۱۵	۱۸۴	-۰/۱۶۳	-۰/۳۱۲	۰/۲۹۱	۱/۱۰۵
پذیرش مرگ	۴۹/۱۵	۵/۹۵	۲۰	۶۲	-۰/۰۴۲	-۰/۲۸۸	۰/۱۵۲	۱/۶۳۲

ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش:

نتایج حاصل از همبستگی پیرسون بین مولفه های پژوهش در جدول ۲ آورده شده است. همان طور که از جدول مشخص است، کلیه اعداد بین منفی ۱ تا مثبت ۱ می باشند. بر این اساس، تمامی مولفه ها با هم ارتباط معنی داری دارند.

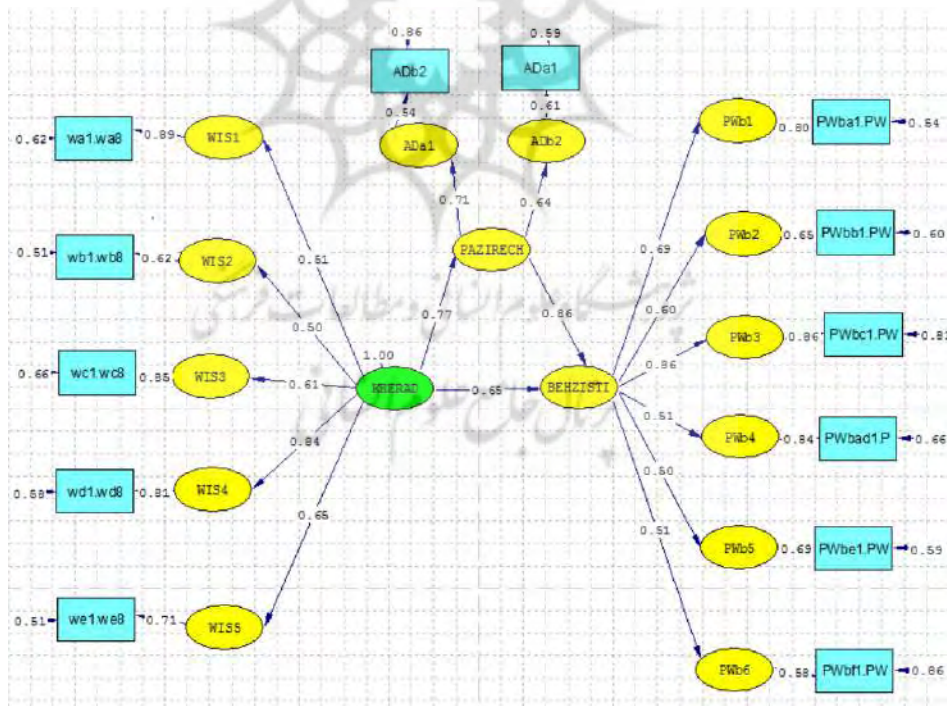
جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱- تجربیات	۰/۴۵۰															
۲- تنظیم هیجان	۰/۳۹۲	۱														
۳- مرور / تأمل	۰/۱۱۴	۰/۲۰۰	۱													
۴- شوخ طبعی	۰/۳۳۶	۰/۳۸۵	۰/۳۷۹	۱												
۵- گشودگی	۰/۲۹۲	۰/۳۰۴	۰/۲۵۶	۰/۱۹۴	۱											
۶- خرد	۰/۷۲۶	۰/۶۷۷	۰/۷۰۷	۰/۶۶۹	۰/۵۵۷	۱										
۷- پذیرش خود	۰/۱۲۵	۰/۳۰۵	۰/۱۵۳	۰/۲۰۶	۰/۱۳۸	۰/۲۰۲	۱									

بررسی مدل مفهومی پژوهش:

۱	۰/۱۹۷	۰/۱۲۵	۰/۱۳۱	۰/۱۳۵	۰/۱۴۳	۰/۲۱۷	۰/۱۰۶	۸-روابط مثبت
۱	۰/۱۱۹	۰/۱۸۹	۰/۱۹۲	۰/۱۱۵	۰/۲۰۷	۰/۱۱۷	۰/۲۷۶	۹-استقلال
۱	۰/۱۶۲	۰/۴۳۰	۰/۳۵۸	۰/۱۱۴	۰/۱۱۰	۰/۱۴۹	۰/۱۱۰	۱۰-تسلط بر محیط
۱	۰/۱۷۸	۰/۱۱۸	۰/۱۵۷	۰/۲۲۲	۰/۱۲۱	۰/۲۷۸	۰/۱۳۹	۱۱-زندگی هدفمند
۱	۰/۳۰۸	۰/۱۶۶	۰/۱۱۱	۰/۲۸۷	۰/۳۷۸	۰/۱۶۲	۰/۲۴۷	۱۲-رشد فردی
۱	۰/۳۹	۰/۳۴۵	۰/۳۳	۰/۳۵۰	۰/۷۱۰	۰/۲۱۳	۰/۱۴۸	۱۳-بهبودی
۱	۰/۳۵۸	۰/۲۵۱	۰/۱۶۶	۰/۱۱۵	۰/۲۲۴	۰/۱۶۸	۰/۲۷۵	۱۴-ادغام
۱	۰/۱۷۷	۰/۱۸۷	۰/۱۹۵	۰/۳۵۳	۰/۱۷۵	۰/۱۷۷	۰/۱۴۹	۱۵-تقابل
۱	۰/۱۳۶	۰/۱۳۶	۰/۱۳۹	۰/۱۲۷	۰/۲۰۷	۰/۱۹۳	۰/۱۱۴	۱۶-پذیرش مرگ

تجزیه و تحلیل با کاربرد روش حداکثر درست نمایی برای تخمین پارمترها، به کار برده شد. برای ارزیابی برازش مدل از شاخص کای اسکوئر، شاخص نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص برازش هنجار شده (NFI) و شاخص برازندگی فزاینده (IFI) استفاده شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش، نتایج ضرایب رگرسیونی استاندارد شده مدل

در این بخش به بررسی برازش مدل بر اساس داده‌های جمع آوری شده پرداخته شده است. در این راستا هفت شاخص (کای اسکوئر/ درجه آزادی، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد، ریشه میانگین باقی مانده‌ها، برازش مقایسه‌ای، برازش فزاینده، نیکویی برازش و نکویی برازش تعدیل شده) مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳. نتایج شاخص‌های برازش مدل اندازه گیری

شاخص برازش	AGFI	GFI	CFI	IFI	RMR	RMSEA	CMIN/DF
میزان استاندارد	بیشتر از ۰/۸		بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۰۸	کمتر از ۰/۰۸	کمتر از ۰/۰۸	کمتر از ۳
میزان پژوهش	۰/۸۸۱	۰/۸۳۲	۰/۹۸۰	۰/۹۴۱	۰/۰۶۱	۰/۰۲۹	۲/۰۴۰

میزان شاخص کای اسکوئر/ درجه آزادی در این پژوهش برابر با (۲/۰۴۰) به دست آمده که با توجه به اینکه این مقدار کمتر از میزان استاندارد ۳ است مورد تأیید می‌باشد. شاخص برازندگی ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) به عنوان یک شاخص مطلوب به حساب می‌آید که طبق نظر کلانتری (۱۳۸۸) اگر این شاخص کمتر از ۰/۰۸ باشد برازش مطلوب، بین ۰/۰۸ تا ۰/۱ برازش متوسط و بیشتر از ۰/۱ حاکی از برازش نامناسب است. با توجه به اینکه مقدار این شاخص برای پژوهش حاضر برابر با (۰/۰۲۹) به دست آمده مناسب است. همچنین، میزان استاندارد شاخص ریشه میانگین باقی مانده‌ها (RMR) نیز کمتر از ۰/۰۸ می‌باشد که با توجه به اینکه مقدار این شاخص در پژوهش حاضر برابر با (۰/۰۶۱) حاصل شده از نظر برازش مورد تأیید است. طبق نظر هومن (۱۳۸۴) میزان برازشی عالی برای شاخص‌های برازش مقایسه ای یا تطبیقی (CFI) و شاخص برازش فزاینده (IFI) بیشتر از ۰/۹ می‌باشد که با توجه به اینکه مقدار این شاخص‌ها به ترتیب برابر با (۰/۹۴۱) و (۰/۹۸۰) بوده و از آنجا که برای هر دو شاخص برازش مقایسه‌ای یا تطبیقی (CFI) و شاخص برازش فزاینده (IFI) بیشتر از مقدار استاندارد هستند، برازش از نظر این شاخص‌ها مورد تأیید است. طبق نظر لای و همکاران (۲۰۰۹) و کلانتری (۱۳۸۸) میزان استاندارد برای شاخص نیکویی برازش (GFI) و نکویی برازش تعدیل شده (AGFI) بیشتر از ۰/۸ می‌باشد که با توجه به اینکه مقدار این شاخص‌ها برای پژوهش حاضر برابر با (۰/۸۳۲) و (۰/۸۸۱) بوده و با میزان استاندارد مطابقت دارد حاکی از برازشی مناسب است. با توجه به نتایج به دست آمده از شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری بعد از اصلاح مشخص شد که تمامی شاخص‌ها در حد استاندارد بوده و برازش مدل مورد تأیید می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری:

هدف از انجام مطالعه حاضر بررسی رابطه بین خرد با بهزیستی روان‌شناختی با نقش میانجی پذیرش مرگ در بین دانشجویان رشته تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد بود. این نتایج با یافته‌های مطالعات خاتون ذبیحی حصاری و همکاران (۱۳۹۶)، عامری و همکاران (۱۳۹۸)، دانش پایه و همکاران (۱۴۰۱)، صالحیان و جهان (۱۴۰۰)، وبستر (۲۰۱۰)، آردلت (۲۰۱۲) و آردلت (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. پژوهش ناهمسو با نتایج این مطالعه دیده نشد.

نتایج نشان داد که خرد از طریق پذیرش مرگ با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد رابطه غیرمستقیم دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت نظام آموزش عالی یکی از عوامل تعیین کننده اساسی در توسعه و پیشرفت جوامع است که نقش تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد را برعهده دارد. از سوی دیگر، بهزیستی روان‌شناختی افراد مشغول به تحصیل در این نظام مورد توجه است. به‌ویژه اینکه، این عامل تضمین کننده سلامت روان افراد است. بهزیستی روان‌شناختی یکی از موضوعات مطرح در بحث‌های روان‌شناختی روز است به این دلیل اهمیت دارد که در بحث‌های سلامت روان مطرح می‌شود و سلامت روان یکی از موضوعات مهم در نمونه‌های دانشجویی است. از

نظر ریف (۱۹۸۹)، بهزیستی روان‌شناختی به کلیه فرآیندهایی که منجر به رضایت کلی فرد از زندگی می‌شود تا فرد روحیه بهتری داشته و با آرامش زندگی کند، اطلاق می‌شود. متغیرهای بسیاری با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط دارند به‌ویژه متغیرهایی که با روان‌شناسی مثبت نگر امروز مرتبط است چرا که روان‌شناسی مثبت نگر ارتباط مستقیمی با بحث سلامت روان دارد. از سوی دیگر، سلامت روان معنوی یکی از مسائل مهم است که مولفه‌هایی مانند پذیرش مرگ و خرد با آن ارتباط دارند. پذیرش مرگ بستگی کامل به اعمال، رفتار، افکار، ساختار شخصیت و توان مقابله‌ای فرد با مسائل گذشته در طول حیات دارد (کوبلر-راس، ۲۰۰۹، نقل از ملایوسفی و باقری، ۱۳۹۵) که با بهزیستی روان‌شناختی فرد تضمین می‌شود، خرد نیز یک سازه چند بعدی است که ابعاد شناختی، تأملی، عاطفی، معنوی و تعالی در آن نمایان است، ابعادی که هر یک را می‌توان با بهزیستی روان‌شناختی و سلامت روان توجیه کرد.

فرضیه تأیید شده دیگر این مطالعه بررسی این مسئله بود که خرد با پذیرش مرگ دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد رابطه مستقیم دارد. در تبیین این یافته می‌توان عنوان کرد که افراد خردمند لزوماً حقایق بیشتری را نسبت به مردم نمی‌دانند، بلکه آن‌ها معانی عمیق‌تری از حقایق عموماً شناخته شده برای خودشان و دیگران را درک می‌کنند. در مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی‌هایی که ارائه شده است، با توجه به اهمیتی که به "شناخت" و "عاطفه" داده شده، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در برخی از آن‌ها شناخت بسیار مهم در نظر گرفته شده و در برخی دیگر، شناخت کم‌رنگ تر شده به تلفیق شناخت و عاطفه بسیار اهمیت داده شده است (استودینگر و گلاک، ۲۰۱۱). استرنبرگ در نظریه تعادلی خود خردمندی را به‌عنوان استفاده از دانش نهان در مسائل زندگی که شامل درگیری بین حوزه‌های مختلف زندگی است، مفهوم‌سازی می‌کند (استرنبرگ، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰). استفاده از این دانش نهان به مقوله‌هایی مانند پذیرش مرگ تعمیم پیدا می‌کند و ظاهراً برخورد خردمندانه و توأم با شناخت نسبت به این مقوله پذیرش آن را راحت‌تر خواهد کرد. به عقیده کوبلر-راس، این طرز تلقی باید تغییر کند و انکار مرگ جای خودش را به پذیرش و قبول مرگ بدهد. از نظر وی انسان در فرآیند مردن باید آگاهانه مرگ خود را بپذیرد تا از این طریق بتواند به نوعی جاودانگی تجربی دست یابد. کوبلر-راس معتقد است که انکار مرگ در جامعه ممکن است اثرات بسیار مخربی برای نوع بشر داشته باشد. او می‌کوشد تا فرهنگ انکار مرگ را تغییر دهد تا افراد بتوانند با ترس کمتر و خردپذیری بیشتری با مرگ خود رو به رو شوند. امروزه روان‌کاوان نیز معتقدند که انکار مرگ، تأثیر روانی مخربی بر انسان دارد (ملایوسفی و باقری، ۱۳۹۵). فرد خردمند از عدم قطعیت (ابهامات) آگاه است و به دنبال راه‌هایی برای مدیریت آن است. هوش عملی می‌تواند منحصراً برای تأمین منافع شخصی یا منافع نزدیکان استفاده شود، در حالی که خرد این گونه نیست. برخوردار بودن از هوش عملی بالا ممکن است (برحسب استانداردهای سنتی) موجب موفقیت در زندگی گردد، اما خرد (برحسب استاندارد های شخصی) موجب رضایتمندی و شادکامی در زندگی می‌شود و افرادی که دارای خرد هستند به دلیل این امر دارای پذیرش مرگ بالاتری می‌باشند.

فرضیه دیگر این مطالعه عبارت بود از اینکه خرد با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد رابطه مستقیم دارد. توانایی خردمندی قابلیت ارزیابی زندگی بر اساس مفاهیم عمیق است و به شیوه‌ای انجام می‌پذیرد که برای خود فرد و دیگران معنی‌دار به‌نظر برسد. خردمندی محصول دانش و تجربه، اما چیزی فراتر از انباشت اطلاعات است. خردمندی، هماهنگ‌سازی این اطلاعات و استفاده سنجیده از آن‌ها برای افزایش بهزیستی است. در بافت اجتماعی، خردمندی این اجازه را به افراد می‌دهد که به دیگران گوش کنند، آنچه آن‌ها می‌گویند را ارزیابی کنند و سپس، توصیه‌ها عاقلانه‌ای ارائه کنند. آردلت (۲۰۰۰) دریافت که افراد خردمند رضایت زندگی بالایی دارند زیرا توانایی پذیرش فرازو نشیب‌ها

و کسب معنای زندگی و نبرد برای غلبه با آن‌ها را دارند و همین ویژگی‌ها سبب افزایش رضایت از زندگی آن‌ها می‌شود. رضایت از زندگی نقاط قوت روان‌شناختی را فراهم می‌کند که به این افراد توانایی تجربه چالش‌های زندگی را به روشی مؤثرتر فراهم می‌کند، این افراد فقط روی شرایط زندگی ایده آل تمرکز نمی‌کنند. افراد خردمند، تبادل‌ات اجتماعی مثبتی را که برای خودشان و دیگران مطلوب و سودمند هستند، ترویج می‌کنند، پرورش می‌دهند و به عمل درمی‌آورند (تیلور و همکاران، ۲۰۱۱). اسمیت و بالتز (۱۹۹۰) خردمندی را مجموعه‌ای بسیار تحول‌یافته از دانش و قضاوت واقعی و اجرایی می‌دانند که با آنچه ملاحظات عملی اساسی زندگی نامیده می‌شود، سر و کار دارد. ملاحظات عملی اساسی زندگی، مسائل مهم، اما غیرقطعی و مبهم زندگی را شامل می‌شود؛ به‌ویژه به بینش عمیق و قضاوت درست در مورد ماهیت وضعیت بشر، روش‌ها و ابزار برنامه‌ریزی، مدیریت و درک یک زندگی خوب اشاره دارد. از نظر آن‌ها خردمندی به‌عنوان اوج عملکرد یا حتی نقطه پایانی دانش بشری و تحول است که موجب افزایش بهزیستی می‌گردد.

همچنین، نتایج این مطالعه نشان داد که پذیرش مرگ با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد رابطه مستقیم دارد. مرگ امری اجتناب‌ناپذیر و حتمی است و ترس از مرگ هم امری طبیعی است، اما هراس از مرگ بیش از آنکه ناشی از پایان یافتن زندگی فرد باشد، ناشی از این امر است که زندگی را در هنگام حیات فرد برایش بی‌معنی و بیهوده می‌سازد. دانستن اینکه چرا زندگی می‌کنیم و می‌میریم؛ تنها عقلاً انسان را ارضاء نمی‌کند، بلکه این بی‌قراری درونی را که از تشخیص وحشتناک بی‌هدفی و بیهودگی زندگی انسان سرچشمه می‌گیرد، تسکین می‌دهد. دستیابی به اهداف درونی، یعنی اهدافی که نیازهای روانی اساسی را ارضاء می‌کنند، باعث پذیرش مرگ و کاهش اضطراب مرگ می‌شود، در حالی که دستیابی به اهداف بیرونی، مانند موفقیت‌های مادی، قدرت یا جاذبه‌های جسمی و اجتماعی، فقط باعث کاهش موقتی اضطراب مرگ می‌گردد. پذیرش مرگ ادراک از میزان قابل درک بودن، قابل مدیریت بودن و معنی‌دار بودن شرایط برای فرد است و فقط مربوط به توانایی پذیرش گذشته نمی‌شود. پذیرش اجتنابی مرگ به معنی نگرش به مرگ به‌عنوان راهی برای فرار از زندگی سراسر درد و رنج است و برای فردی که از پذیرش مرگ بالایی برخوردار است شرایط زندگی آنچنان سخت نیست که طبق مفهوم پذیرش اجتنابی، مرگ را به‌عنوان گزینه‌ای برای فرار از شرایط بپذیرد و بنابراین، رابطه پذیرش مرگ و بهزیستی روان‌شناختی مثبت می‌باشد.

این مطالعه دارای محدودیت‌هایی نیز بود. از جمله اینکه در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است. بنابراین، محدودیت‌های پرسش‌نامه‌ها در پژوهش، از قبیل یادآوری وضعیت گذشته، صحت پاسخ‌دهی به سؤالات و... در پژوهش حاضر نیز در نظر گرفته می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، اگر از روش‌های کیفی استفاده شود، شاید داده‌های به‌دست‌آمده مقداری متفاوت از پژوهش حاضر باشد. محدودیت دیگر، اجرای پرسش‌نامه در شرایط کرونایی و میزان بالای مرگ و میر در آن برحه زمانی بود که در مفهوم‌سازی آزمودنی‌ها از مرگ تأثیرگذار بوده است.

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود. بررسی عوامل دیگر مرتبط با تفکر خرد و پذیرش مرگ دانشجویان مانند اضطراب وجودی، احساس تنهایی، اضطراب مرگ، سوگ، سلامت معنوی، شخصیت و... انجام مصاحبه و پرداختن به پژوهشی که ابعاد خرد و پذیرش مرگ را در نمونه ایرانی با توجه به عامل فرهنگ مورد بررسی قرار دهد و مدلی بومی طراحی شود. همچنین، می‌توان به دانشگاهیان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و سایر متخصصان مرتبط پیشنهاد کرد که به نقش خرد از قبیل اصالت شخصیت، خوش بینی، معنا در زندگی و اقدام برای رشد شخصی در راستای پذیرش مرگ توجه ویژه‌ای داشته باشند و با تدوین برنامه‌هایی جهت آموزش این مؤلفه‌ها و همچنین ارتقاء آن‌ها به‌خصوص در جامعه

دانشگاهی بر اساس مؤلفه‌های مذکور سعی در ارتقاء شخصیت اصیل و اصالت دانشجویان داشته باشند. این کار از طریق اجرای کارگاه‌های آموزشی و گنجاندن آموزش‌های کاربردی در برنامه‌ریزی تحصیلی دانشجویان امکان‌پذیر خواهد بود. با توجه به اینکه خردمندی نتیجه ترکیب منطقی عاطفه، شناخت و تجارب در زندگی است، بنابراین، به‌منظور بهبود این علائم که موجب بهزیستی روان‌شناختی نیز می‌شود کارگاه‌های آموزشی با مضمون خردورزی و خردشناسی برای دانشجویان در دانشگاه برگزار شود. از افراد با خصوصیات خردمندی در حیطه‌های مختلف علمی و هنری دعوت شود تا برای دانشجویان سخنرانی کنند. جلسات نقد فیلم و نقد کتاب با موضوع خرد و معنا در زندگی برگزار شود.

تشکر و قدردانی:

بدین وسیله، نویسندگان مقاله مراتب سپاس و قدردانی را از کلیه کسانی که در انجام این مطالعه همکاری نمودند، به عمل می‌آورند.

منابع:

- بشارت، محمد علی، زمانی فروشانی، نسرین، معافی، علیرضا، بهرامی احسان، هادی. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین آسیب پرهیزی و بهزیستی روان‌شناختی در والدین کودکان مبتلا به سرطان. *روان‌شناسی سلامت*، ۱(۵)، ۲۲-۷.
- خاتون ذبیحی حصاری، نرجس؛ چاچی، محمدرضا؛ زارع مقدم، علی. (۱۳۹۶). رابطه خردمندی با بهزیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش‌آموزان. *پژوهش‌های تربیتی*، ۳۵، ۲۰-۱۶.
- خانجانی، مهدی، شهیددی، شهریار، فتح آبادی، جلیل، مظاهری، محمد علی، شکری، امید. (۱۳۹۳). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه (۱۸ سوالی) مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان دختر و پسر. *اندیشه و رفتار*، ۸(۳۲)، ۹۳-۲۷.
- دانش پایه، مسلم؛ درتاج، فریبرز، مازوساز، عاطفه. (۱۴۰۱). تبیین مدل بهزیستی روان‌شناختی بر اساس خردمندی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۲۰(۳)، ۱۰۹-۸۴.
- عامری، محمد علی؛ شوقی، بهزاد؛ حسنی ساطعی، حسین. (۱۳۹۸). ارائه مدلی به‌منظور ارتقاء خرد در راستای بهبود سرمایه روان‌شناختی، بهزیستی روان‌شناختی، سلامت روان و گرایش‌های مطلوب اجتماعی (مورد مطالعه: سربازان مرکز آموزشی مالک اشتر). *آموزش در علوم انتظامی*، ۶(۲۴)، ۲۴۹-۲۱۳.
- کلانتری، حلیل. (۱۳۸۸). *مدل سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی (با برنامه LISREL و SIMPLIS)*. تهران: فرهنگ صبا.
- صالحیان، غزاله؛ جهان، فائزه. (۱۴۰۰). تدوین مدل علی خرد بر اساس عاطفه مثبت و منفی و هوش معنوی با میانجی‌گیری نگرش به مرگ در سالمندان. *سالمندشناسی*، ۶(۳)، ۷۷-۶۵.
- ملایوسفی، مجید، باقری، محمدرضا. (۱۳۹۵). انسان جدید و مسئله مرگ: نگاهی به نظریه الیزابت کوبلر-راس. *پژوهش‌نامه ادیان*، ۲۰، ۱۵۰-۱۳۳.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). *مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*. تهران: سمت.
- Jacobson, Jed , Leland , Matthaues.(2014). Athletics and executive functioning: How athletic participation and sport type correlate with cognitive performance. *Psychology of Sport and Exercise*, 15(5), 521-527
- Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on Aging*, 25(3), 275-324.
- Ardelt, M. (2018). Can wisdom and psychosocial growth be learned in university courses? *Journal of Moral Education*, 49, 30-45.
- Karami, S., Ghahremani, M., Parra –Martinez, F., & Gentry, M. (2020). A Polyhedron Model of Wisdom: A Systematic Review of the Wisdom Studies in Psychology, Management and Leadership, and Education. *Roeper Review*, 42(4), 241-257.
- Kline, R. B. (2015). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. Guilford Press.
- Klug, L. K., Sinha, A. (1976). Death Acceptance: A two-Component Formulation and Scale. *Journal of Death and Dying*, 18(3), 18-30.

- Luo, M., Hancock. (2020). Self-disclosure and social media: motivations, mechanisms and psychological well-being. *Current Opinion in Psychology*, 31, 110-115.
- Meacham, J. A. (1990). The loss of wisdom. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 191-211). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Niemiec, R. M., & Schulenberg, S. E. (2011). Understanding Death Attitudes: The Integration of Movies, Positive Psychology, and Meaning Management. *Death & Studies*, 35, 387-407.
- Parker, S., Thomas, R. (2009). Psychological Differences in Shame vs. Guilt: Implications for Mental Health Counselors. *Journal of Mental Health Counselling*, 31(3), 213-224.
- Peterman, A. H., Reeve, C. L., Winford, E. C., Cotton, S., Salsman, J. M., McQuellon, R., Tsevat, J., & Campbell, C. (2014). Measuring meaning and peace with the FACIT-Spiritual Well-Being Scale: Distinction without a difference? *Psychological Assessment*, 26(1), 127-137.
- Pollock, K., & Seymour. (2018). Reappraising 'the good death' for populations in the age of ageing. *Age and Ageing*, 47(3), 328-330.
- Ray, J. J., & Najman, J. (2010). Death Anxiety and Death Acceptance: A Preliminary Approach. *Journal of Death and Dying*, 5(4), 17-28.
- Ruff, C.D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 1018-1069.
- Staudinger, U. M., & Baltes, P. B. (1994). Psychology of wisdom. In R. J. Sternberg (Ed.), *Encyclopedia of human intelligence* (Vol. 2, pp. 1143-1152). New York: Macmillan
- Staudinger, U. M., & Gluck, J. (2011). Intelligence and wisdom. In R. J. Sternberg & S. B. Kaufman (2011), *The Cambridge handbook of wisdom* (pp. 827-846). New York: Cambridge University Press.
- Sternberg, R. J. (1990). *Metaphors of mind: Conceptions of the nature of intelligence*. New York: Cambridge University Press.
- Sternberg, R. J. (1998). A balance theory of wisdom. *Review of General Psychology*, 2(4), 347-365.
- Sternberg, R. J., Reznitskaya, A., & Jarvin, L. (2007). Teaching for wisdom: What matters is not just what students know, but how they use it. *London Review of Education*, 5, 143-158.
- Sternberg, R. J. (2008). Schools should nurture wisdom. In B. Z. Presseisen (Ed.), *Teaching for intelligence* (2nd ed., pp. 61-88). Thousand Oaks, CA: Corwin.
- Taylor, M., Bates, G. & Webster, J. D. (2011). Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: Predicting forgiveness and psychological well-being with the Self-Assessed Wisdom Scale (SAWS) and the Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS). *Experimental Aging Research*, 37, 129-41.
- Webster, J. D. (2003). An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale. *Journal of Adult Development*, 10(1), 13-22.
- Webster, J. D. (2007). Measuring the character strength of wisdom. *International Journal of Aging and Human*, 65, 163-183.
- Weston, R., & Gore, P. A., Jr. (2006). A Brief Guide to Structural Equation Modeling. *The Counseling Psychologist*, 34(5), 719-751.
- Yadav, R. (2018). Strengthening alliance for psychological well-being of students. *International Journal of Social Sciences Review*, 6(3): 320-323.

The relationship between wisdom and psychological well-being with the mediating role of death acceptance in physical education students

Fatemeh Bijanvand Gheinali¹, Zahra Tanha^{2*}, Razieh Jalili³

1. M. A in Educational Psychology, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanistic Sciences, Khorram Abad Branch, Islamic Azad University, Khorram Abad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanistic Sciences, Khorram Abad Branch, Islamic Azad University, Khorram Abad, Iran

Abstract:

The present study was studied with the aim of investigating the relationship between wisdom and psychological well-being with the mediating role of death acceptance in physical education students. The statistical population of the present study was all students of physical education of Islamic Azad University, Khorramabad branch, in the academic year of 2001-2001. For this purpose, a number of 300 people were selected by non-random sampling method available (online) and they were asked the psychological well-being questionnaires of Rief (1989), Webster's wisdom self-assessment (2003) and Clark's acceptance of death. (1976) answered. Descriptive research method of correlation type which was analyzed by structural equation model method. According to the results, wisdom has a direct relationship with the acceptance of death of physical education students of Islamic Azad University, Khorramabad branch. There is a direct relationship between psychological well-being and death acceptance of physical education students of Islamic Azad University, Khorramabad branch. There is a direct relationship between wisdom and psychological well-being of physical education students of Islamic Azad University, Khorramabad branch, and finally, the results of the final fitted model showed that wisdom and psychological well-being play a mediating role in acceptance of death in physical education students of Islamic Azad University. Khorramabad unit has an indirect relationship. The results of this study showed that the three conceptual frameworks, wisdom, psychological well-being and acceptance of death, have theoretical intersection points and can be used in the form of a model. It should be taken into consideration in educational plans for physical education students.

Keywords: *psychological well-being, wisdom, acceptance of death, physical education students.*

* **Correspondence:** tanha_zahra1986@yahoo.com